



نگاهی اجمالی به ابعاد امنیت غذایی کشور

## وقتی که غذا هست...

ایران با عنایت به شاخص‌های مختلف بعد موجودی (نخستین بعد از ابعاد چهارگانه امنیت غذایی) به لحاظ تأمین فیزیکی غذا، در وضعیت نسبتاً مناسبی قرار دارد. مهم‌ترین تأکید این بعد، بر موجودی غذا استوار است و ایران در نگاه اول تقریباً توانسته سطح قابل قبولی از غذا را برای مردمش تأمین کند.

آخرین برآوردها میانگین انرژی غذایی مورد نیاز [۱] برای ایران را ۲۳۹۰ کیلوکالری به صورت سرانه در هر روز محاسبه می‌کنند که ایران موفق شده ۳۱۲۲ کیلوکالری را به صورت سرانه برای هر نفر عرضه [۲] کند. در واقع میانگین کفایت تأمین انرژی [۳] در ایران ۱۳۱ درصد محاسبه می‌شود؛ رقمی بالاتر از متوسط جهانی (۱۲۳ درصد) و متوسط کشورهای در حال توسعه (۱۲۰ درصد) و تقریباً برابر با کشورهای توسعه‌یافته (۱۳۶ درصد). ایران گرچه برابر با کشورهای توسعه‌یافته سطح قابل قبولی از انرژی غذایی را تأمین می‌کند اما این آیا به معنی تحقق امنیت پایدار غذایی است؟ توجه به چند نکته در این مورد ضروری است.

در این شاخص دو عامل مهم نقش دارند، نخست سطوح تولید و دو دیگر بازار محصولات غذایی. ایران با سطح بالایی از ضایعات مواد غذایی مواجه است. این ضایعات در مراحل مختلف تولید در کشور؛ از مزرعه تا زمانی که محصول توسط خانوار ایرانی مصرف می‌شود ایجاد می‌گردند. در واقع گرچه ما برابر با کشورهای توسعه‌یافته و در حدود ۳۱ درصد حتی بیشتر از انرژی مورد نیازمان غذا تأمین کرده‌ایم اما وقتی مقایسه می‌کنیم حجم ضایعات مواد غذایی در ایران را با جهان توسعه‌یافته، به نظر می‌رسد این میزان تأمین انرژی، میزان مطلوبی نمی‌تواند باشد. اصلاح الگوی مصرف جامعه ایرانی امری است بسیار مهم در این زمینه. امری که همه‌گیری بیماری کرونا و شرایط تحمیلی آن، نشان داد در صورت برنامه‌ریزی صحیح و اطلاع‌رسانی مناسب توسط حاکمیت، اصلاحات در این زمینه با همراهی مردم همراه خواهد شد.

افزون بر این بخش عمده انرژی و پروتئین عرضه شده در کشور، از منابع گیاهی تأمین شده است. ایران ۲۰ درصد بیش از جهان توسعه‌یافته از غلات، حبوبات، ریشه‌ها و قارچ‌ها تأمین انرژی کرده، در همین مقطع زمانی پروتئین مورد نیاز خود را نیز بیشتر از منابع گیاهی تأمین کرده تا منابع حیوانی (رقمی در حدود یک‌سوم جهان توسعه‌یافته). پروتئین‌های گیاهی در مقایسه با حیوانی قابلیت جذب بسیار پایین‌تری دارند، پروتئین‌های حیوانی به علت داشتن ارزش بیولوژیک بالاتر، در مقایسه با پروتئین‌های گیاهی که باند شده با فیبر هستند بهتر جذب می‌شوند.

از طرفی خاک‌های ایران به علت بی‌کربناته بودن قابلیت جذب روی، آهن و ... را ندارند، به همین دلیل است که وقتی بعد دیگر امنیت غذایی یعنی بعد بهره‌وری [۴] را بررسی می‌کنیم، نگرانی‌ها قدری بیشتر می‌شود. در این بعد، کیفیت غذا و

نحوه استفاده از آن مطرح است. ما با توجه به شاخص‌های این بعد در شیوع کم‌خونی [۵]، در توقف رشد [۶]، در کمبود وزن [۷] کودکان، جایگاه مناسبی نداریم، مصائبی که به دلیل کمبود پروتئین و ریزمغذی‌ها در بدن به وجود می‌آیند و چون این وضعیت در زنان باردار و کودکان زیر پنج سال جلوه بیشتری دارند، اصلاح این شرایط حیاتی است، چرا که اینان نسل آینده این سرزمین را خواهند ساخت که با توجه به الگوی توزیع غذا در کشور و الگوی تغذیه‌ای ایرانیان، ابعاد نگران‌کننده‌ای به این بعد از امنیت غذایی ما داده‌اند.

اما در تحلیل امنیت غذایی حلقه رابط بین بعد بهره‌وری و بعد موجودی غذا، بعد دسترسی [۸] است که بر پایه دسترسی اقتصادی، فیزیکی و اجتماعی سنجیده می‌شود. پیش‌تر توضیح داده شد که بعد موجودی غذا، بر دو پایه تولید و بازار استوار است، بر اساس شاخص‌های بعد دسترسی، دسترسی فیزیکی ایرانیان به بازار در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته قدری ضعیف‌تر است. در شرایط مقایسه‌ای هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده دسترسی مناسبی به بازار برای عرضه کالا توسط تولیدکننده و تقاضای آن توسط مصرف‌کننده نخواهند داشت. به لحاظ دسترسی اقتصادی با مشکلات بیشتری مواجه هستیم. تحریم‌های ظالمانه و تبعات آن توان بخشی قدرت خرید مردم ایران را با مشکل مواجه کرده است، به این معنی که ایرانیان توانایی چندان مناسبی برای تهیه مایحتاج خود ندارند. با کاهش قدرت خرید مردم، سبد غذایی خانوار ایرانی دست‌خوش تغییرات ناخوشایندی شده است. هزینه مواد غذایی در سبد کالا به حدود یک‌چهارم رسیده و علاوه بر این، میزان بیشتر اقلام کالاهای اساسی موجود در سبد خانوار ایرانی روندی نزولی دارد و اقشار آسیب‌پذیر کشور در مقایسه با دهک‌های بالایی جامعه، بخش عمده‌ای از درآمدها را صرف تأمین غذا می‌کنند. این در حالی است که بر اساس آمار سطح قیمت داخلی مواد غذایی در ایران نسبت به منطقه بالاتر است. در نتیجه ایرانیانی که توانایی خرید کمتری دارند، مجبورند غذایی گران‌تر هم تهیه کنند، در نتیجه این دور باطل، مدام بیشتر و بیشتر به امنیت غذایی ایرانیان آسیب وارد می‌شود و این موضوع در آینده می‌تواند نگران‌کننده شود. این‌ها همه در حالی است که بر اساس شاخص‌ها، نوسانات قیمت مواد غذایی در کشور نیز بسیار زیاد است. این شاخص یکی از مؤلفه‌های بعد چهارم امنیت غذایی است. بعد پایداری [۹] که در ارتباط با سه بعد پیشین است. در واقع این بعد تأکیدی است بر تداوم، ثبات و پایداری امنیت غذایی در شرایطی که غذای کافی موجود باشد، دسترسی به این غذا برای همه اقشار به مقدار کافی و پایدار فراهم باشد و استفاده از آن نیز به لحاظ کیفی و کمی برای برآوردن نیازهای یک زندگی سالم و فعال انجام شود. بر اساس شاخص‌های این بعد، در صورتی که ایران در سه بعد پیشین در وضعیت مطلوبی قرار داشته باشد این سؤال مطرح است که آیا این وضعیت در آینده نیز تداوم خواهد داشت؟

ایران فشار بیش‌ازحد بر منابع خود به خصوص منابع آبی (دو برابر متوسط منطقه و سه برابر متوسط جهانی) برای تولید محصولات زراعی وارد ساخته است با این وجود بر اساس شاخص‌های این بعد، ما وابستگی شدیدی به واردات غلات و حبوبات داریم که بخش عمده‌ای از انرژی خود را نیز از محصولات آن‌ها تهیه می‌کنیم. بررسی این شاخص نشان می‌دهد در برنامه‌ریزی برای تولید و مصرف در کشور محاسبات دقیقی انجام ن داده‌ایم.

از سوی دیگر ارزش واردات مواد غذایی به کل صادرات تجاری در ایران با توجه به مسائل تحریمی که تبعات ناشی از

همه‌گیری کرونا ویروس هم به آن اضافه شده است نگران‌کننده است، در نتیجه ذخایر ارزی کمتری برای واردات در اختیار ایران است. با توجه به این نگرانی‌ها لازم است با شناخت محیط داخلی (عوامل ضعف و قدرت) و خارجی (فرصت‌ها و تهدیدات) اقدام به استخراج راهبردهایی گردد که ضمن بالا بردن ضریب امنیت کشور، برای سناریوهای بدبینانه نیز آماده شویم.

( [۱] )

( [۲] )

[۳]

[۴]

[۵]

[۶]

[۷]

[۸]

[۹]